

نگاه

ضرورت استرداد لایحه اصلاح دیوان عدالت

جواد محمودی*

قانون اساسی به شرح اصل ۱۵۶ «صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات» و «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» را از رسالت‌های خطیر دستگاه قضایی برمی‌شمارد و در راستای این آرمان متعالی در اصول بعدی ضمن پرداختن به سازمان قضایی عام- در قالب دادگستری‌های سراسر کشور- به تبعیت از رویکرد حاکم بر نظام حقوقی رومی- ژرمنی- به ویژه فرانسه- برای نخستین‌بار در تاریخ حقوقی کشور، به تأسیس مرجعی شایان توجه، منحصر به فرد و غیرقابل قیاس با هیچ مرجع قضایی دیگر تحت عنوان «دیوان عدالت اداری» پرداخته است.

اگرچه ساختار و رویه این مرجع قضایی از جهاتی با منبع الهام خود یعنی شورای دولتی فرانسه متفاوت بوده و دچار کاستی‌هایی نیز است، لیکن در چارچوب قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰ و آیین دادرسی مربوطه، تاکنون کارنامه نسبتاً موفقی از خود در رسیدگی به دعاوی شهروندان به ظرفیت دولت و ماموران دولتی، داشته است. قانون اساسی به شرح اصل ۱۷۳ با به کارگیری عبارت مطلق «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها، آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها» سنگ بنای دیوان عدالت اداری در ساختار قضایی کشور را گذارده و ضرورت و اهمیت آن را مورد تأکید قرار داده است.

اهمیت ترآیند اداری‌ها در دیوان در صیانت از اصل تفکیک قوا- به ویژه در حراست از دامنه قانونی اختیارات مقامات اجرایی- و جلوگیری از تعرض آنها به صلاحیت‌های قوای دیگر- و نیز ابطال هنجارهای حقوقی درجه سوم- که اصطلاحاً مقررات دولتی نامیده می‌شوند- غیرقابل انکار است. دیوان، انعکاس ده‌ها سال تلاش حقوقی صاحب‌نظران و مبتنی بر آرمان‌های حقوقی دین‌داران و عدالت‌خواهان در ایران است؛ این دیدگاه با توجه به ریشه‌ها و سوابق تأسیس شورای دولتی فرانسه، بیشتر تقویت می‌شود از این رو پاسداری از موجودیت دیوان و بسط صلاحیت‌ها و ظرفیت‌های آن به استناد روح قانون اساسی و آرمان‌ها و رویه‌های منبع الهام آن- یعنی حقوق دولتی فرانسه- در جهت حراست بیش از پیش از حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان در برابر قدرت حاکمیتی و به‌ویژه تعرض‌های احتمالی مقامات قوه مجریه، وظیفه تمام عدالتخواهان و نظریه‌پردازان و نیز قضات و مسئولان دیوان و حتی جزء رسالت‌های پاسداران قانون اساسی در «شورای نگهبان» است. هرگونه نفطت و بی‌اعتنایی به این امر، تضعیف جایگاه سترگ دیوان، محدودیت گستره صلاحیت‌ها و توانایی‌های قانونی آن و به تدریج و به‌طور غیرمستقیم به خاموشی گراییدن این چراغ روشن عدالت را به دنبال خواهد داشت؛ چراغی که با نورافشانی خود تاریکی‌های فساد و تبعیض و تعرض به حقوق قانونی شهروندان را تا حدی زدوده است.

با این وصف، متأسفانه کم‌مهری‌هایی از طرف برخی مراجع تصمیم‌گیری در کشور در خصوص شأن و جایگاه دیوان به چشم می‌آید و افق پیش روی این مرجع رازتیر و تار می‌نماید؛ لایحه اصلاح قانون دیوان عدالت اداری که در سال گذشته به مجلس شورای اسلامی ارسال شده و چندین بار مسیر مجلس و شورای نگهبان را پیچود، اینک به دلیل مخالفت مجلس با ارجاع رسیدگی به برخی مواد آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهایتاً در کمیسیون تخصصی مجلس، نزول اجبار کرده است! صرف‌نظر از بسیاری از انتقادات وارده بر لایحه، نظیر حذف مرحله تجدیدنظر، پیش‌بینی شعب تشخیص برای دیوان و یا روی آوردن به تأسیس «شورای اختلاف» در آن مرجع در کنار برخی محسنات لایحه یاد شده از قبیل همزمان کردن رسیدگی به دعاو به ظرفیت دولت و جبران خسارت وارده- که مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفته است، به نظر می‌رسد اصلاح ساختار و صلاحیت دیوان طی لایحه مذکور، کاملاً انقباضی و احتمالاً همسو با برخی تحولات متغیر سیاسی بوده و در مجموع، می‌تواند موجودیت و اصالت دیوان را به مخاطره افکند. انعکاس نظریه تفسیری مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ شورای محترم نگهبان در متن لایحه و در نتیجه، غیرقابل کنترل دانستن تصمیمات مرجعی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی و نیز تصریح به عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی ابطال مصوبه‌ها و آیین‌نامه‌های مدیران ارشد قضایی، فرجامی جز کاستن از شأن و مرتبه رفیع دیوان و تهی کردن آن از ارزش‌ها و آرمان‌های والای قانون اساسی ندارد. خلاه زیانباری که در نود هیچ نظارتی بر مقررات مصوب مقامات خارج از قوه مجریه، پدید می‌آید محملی برای صدها تخلف و تعرض احتمالی به حقوق قانونی شهروندان است. محروم کردن دیوان عدالت اداری از صلاحیت‌های قانونی خود، جز به معنای تسهیل ارتکاب تخلفات و جرائم مختلف علیه مردم نمی‌تواند باشد.

با توجه به مطالب یادشده، لایحه اصلاحی در نهایت به تضعیف روزافزون دیوان انجامیده و سیر تکاملی این نهاد نوپا در نظام حقوقی جمهوری اسلامی را اگر نگوییم متوقف می‌کند، به کندی می‌کشاند. از این رو از رئیس محترم قوه قضائیه درخواست می‌شود به منظور تهیه لایحه قوی‌تر برای اصلاح دیوان با مشارکت استادان و پیشکسوتان حقوق اداری و قضات دانشمند و مجرب دیوان و نیز با محوریت کار پژوهشی عمیق در مرکز مطالعات توسعه قضایی، لایحه اصلاحی فعلی از طریق هیات دولت از مجلس شورای اسلامی مسترد شود تا به جای تدوین لایحه‌ای که جایگاه دیوان را به مراتب، تضعیف می‌سازد، اصلاحیه‌ای واقع‌بینانه و علمی در فرصت مناسب و بدون هیچ شتابزدگی و بر مبنای کارنامه علمی دیوان در چند دهه فعالیت آن مرجع و نیز براساس فرآیند و رویکردهای منبع الهام آن- به ویژه شورای دولتی پیش‌بینی شده‌است، تدوین و تقدیم شود.

*دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی



م. ع. پناه*: بررسی مصوبه تعیین حداقل مزد در سال ۸۵ از برخی جهات حائز اهمیت است:

نخست: افزایش بیش از حد حداقل مزد در سال ۱۳۸۵ (نزدیک به ۴۶ درصد برای قراردادهای موقت).

دوم: اعلام دو حداقل مزد برای کارگران طرف قراردادهای موقت و کارگران طرف قرارداد دائم.

در واقع لازم است در بررسی مصوبه مذکور ضمن مقایسه با قانون، نسبت به اعتراضات برخی گروه‌ها به ویژه کارفرمایان به افزایش بیش از حد حداقل مزد در سال جاری و وجود دو پایه مزد برای قرارداد موقت و قراردادهای دائم، نیز توجه شود.

وزارت کار و در واقع شورای عالی کار که همه ساله با اعلام حداقل مزد برای کارگران وظیفه قانونی خود را انجام می‌دهد در سال ۱۳۸۵ نیز اقدام به اعلام حداقل مزد کرد. اما نکته‌ای که برخلاف روال سال‌های گذشته و حتی پیش از انقلاب اسلامی در سال جاری مورد توجه است، اعلام دو حداقل مزد برای کارهای موقت و دائم است که به نظر می‌رسد، آنچنانکه باید با ضوابط و مقررات جاری به ویژه قانون کار جمهوری اسلامی ایران هماهنگ نباشد:

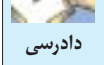
۱- اتهام تهیه‌کنندگان این مصوبه در افزایش حداقل مزد در سال ۸۵ به حدی است که آسیمی به جریان تولید در کشور وارد نکند. بااین استدلال که سهم مزد کارگران در تولید محصولات صنعتی و یا دیگر تولیدات بسیار ناچیز بوده و این سهم در حد ۴/ ۱۰ درصد است. با این وصف افزایش حداقل مزد موصوف تأثیری در کاهش تولیدات صنعتی و یا افزایش هزینه‌های کارفرمایان در تولیدات نخواهد داشت.

۲- از آنجایی که حداقل مزد کارگران با حداقل معیشت ایشان فاصله بسیار معناداری دارد در این مصوبه به تلاش شده است تا حداقل مزد کارگران به حداقل معیشت آنان نزدیک شود. هر چند امکان رساندن سطح حداقل مزد به سطح حداقل معیشت وجود ندارد. براساس آمارهای موجود حداقل معیشت کارگران ۲/۶۱۰/۰۰۰ ریال است که نزدیک به ۸۰۰/۰۰۰ ریال بیش از بالاترین مزد اعلام شده برای سال ۸۵ است.

۳- از سوی دیگر تصمیم‌سازان در زمینه تعیین حداقل مزد با این استدلال که در سال‌های ابتدایی انقلاب و سال‌های جنگ امکان افزایش مزد کارگران به میزان قانونی وجود نداشته است و بالطبع هم‌اکنون که کشور در وضعیت عادی قرار دارد باید توقعات انباشته شده کارگران مدنظر قرار گیرد لازم است حداقل مزد کارگران بیش از تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی افزایش یابد.

□

حق وکیل و تکلیف قاضی



مهدی چایپخش* تمام تلاش‌ها وپیی‌گیری‌های قضایی وکلا در راه‌روهای دادگستری برای بردن نتیجه در پرونده موکلشان است تا حق مکتوم یا متروک آنها با محکومیت طرف دیگر دعوی احیا شود. با دریافت «محکوم به» یا آنچه موضوع حکم واقع شده است، احقاق حق موکل کامل می‌شود. اما برای این مرحله از دادخواهی که اجرای حکم و وصول حق است ضوابطی برای وکلا و قضات پیش‌بینی شده است که بررسی و تبیین آن ضروری است. برابر ماده ۳۴ قانون آئین دادرسی مدنی باید در وکالت‌نامه وکیل، حق اخذ محکوم به تصریح شده باشد. دراین باره چند نکته قابل تامل وجود دارد:

□

■ **حق الوکاله: محکوم به وکیل**

اگر وکیل حق دریافت داشته باشد، کم یا زیاد بودن آن تأثیری در نحوه دریافت ندارد و باید «محکوم به» به‌طور کامل به وکیل داده شود. در مواردی که وکیل حق الوکاله دریافت نمی‌کند و پرداخت آن مانند وکالت‌های معاضدتی به‌صورت دادنامه موکول می‌شود، درباره آن قسمت از «محکوم‌به» که حق الوکاله وکیل محسوب می‌شود، وی ذی‌نفع و معنی‌بری دریافت آن است. چنانچه قاضی اجرای احکام از پرداخت آن به وکیل که «محکوم‌له» حق الوکاله است خودداری کند و زیانی به صاحب حق وارد شود مسئول است. به‌ویژه اگر مالی که موضوع حق الوکاله است در معرض تلف باشد. مثل اینکه تعداد موکلان وکیل زیاد باشد و در صورت

□

تناسب جرم و مجازات

پروین بختیارنژاد: تا قبل از طرح دستاوردهای علم جرم‌شناسی، مجازات فرد مجرم با شدیدترین شیوه و صرفاً با هدف تنبیه مجرمین در محاکم قضایی به اجرا گذاشته می‌شد، اما پس از ارائه راهاوردهای نوین جرم‌شناسی مجازات مجرمان براساس پرهیز از تکرار جرم با هدف اصلاح و با لحاظ سابقه شخص بزعمار، تحصیلات، موقعیت خانوادگی، تاهل، شرایط شغلی و سایر مولفه‌ها تعیین می‌شود. اما وقتی امکان بازپروری زندانی وجود ندارد و زندانی را فقط به قصد تنبیه در زندان نگه می‌دارند، در غیاب نهادهای حمایت‌کننده از زندانی و خانواده آنها فتون جدید خلاف‌کاری از داخل زندان طراحی و با تبادل تجربه، به هنگام بازگشت زندانی به جامعه، به اجرا گذاشته می‌شود. برخی کارشناسان حقوقی بر این عقیده‌اند که صدور احکام سنگین و عدم تناسب بین جرم و مجازات، موجب‌ات از بین رفتن عدالت قضایی و حس فقدان امنیت را در شهروندان ایجاد می‌کند و زمانی که احساس امنیت در جامعه‌ای از بین برود، شالوده جامعه و انسجام آن نیز متزلزل خواهد شد. نبود تناسب بین جرم و مجازات در حوزه قضایی تابع چند متغیر کلان است و تا زمانی که به دقت به آن پرداخته نشود و اصلاحاتی زیربنایی در این امور صورت نگیرد، تناسب جرم و مجازات اتفاق نخواهد افتاد. پیش‌بینی مجازات سنگین در قانون جزا درخصوص برخی جرائم، این امکان را از قضات گرفته است تا با مجازات‌های حداقلی به تنبیه مجرمان بپردازند. هر چند در برخی جرائم، مجازات‌های حداقلی و حداکثری مجرمان بیش‌بینی شده‌است، اما اجرای مجازات‌های حداقلی طبق سلیقه قاضی انجام می‌شود و قضات تمایل بیشتری به

بدین منظور می‌بایست براساس توافق‌های قبلی میان تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و دولت حداقل مزد کارگران برای هر سال براساس نرخ تورم اعلام در هر سال به علاوه ده درصد باشد.

۴- همچنین در این مصوبه شاید بتوان نشانانه‌هایی از برخی راهکارهای قانونی از جمله مجاز بودن شورای عالی کار (و در واقع وزارت کار) برای اعلام دو حداقل

مزد مشاهده کرد. از جمله می‌توان به این نکات اشاره کرد که در هیچ یک از مواد قانون کار اشاره به الزام تعیین یک حداقل مزد مشاهده نمی‌شود و بالعکس در برخی مواد قانون کار وجود چند حداقل مزد مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر به دلیل افزایش قراردادهای موقت و برای اینکه کارفرمایان تشویق به انعقاد قراردادهای دائم شوند، حداقل مزد برای کارگران موقت بیش از کارگران دائم در نظر گرفته شده است. نهایتاً اینکه کارگران شاغل در کارهای موقت وجوهی از جمله عیدی، پاداش پایان سال و حق عائله‌مدنی را دریافت نمی‌کنند و به این ترتیب تفاوت حداقل مزد به نفع کارگران موقت را توجیه‌پذیر و قابل قبول قلمداد کند.

■ **تحلیل موضوعی**

هر چند وجود حداقل مزدی که نزدیک به حداقل معیشت باشد، قابل دفاع است و نباید با آن مخالفت شود، اما می‌بایست هرگونه افزایش مزد – که خود تنها یکی از عناصر چندگانه روابط کار است – با عوامل دیگری انجام شود.

این یک اصل پذیرفته شده است که قراردادهای موقت در واقع نشان از عدم اعطاف بازار کار و نگرانی کارفرمایان از امکان یا عدم امکان دوام فعالیت اقتصادی دارد. بر این اساس استفاده از ابزار مزد برای تأثیرگذاری بر فرآیند امنیت شغلی، نه تنها کمکی به اصل موضوع نمی‌کند بلکه از جهت نگراننده ریسک فعالیت اقتصادی در بازار کار ایران که بالا است، به مراتب بالاتر خواهد رفت و کارفرمایان از دادن فرصت‌های شغلی جدید به کارگران به همین دلایل امساک خواهند کرد.

■ برخلاف اظهارنظر برخی کارشناسان و برابر قانون کار جمهوری اسلامی ایران امکان تهیه دو حداقل مزد برای کارهای موقت و کارهای دائم غیرممکن است و

پنج شنبه‌ها منتشر می‌شود

حقی

اشکال قانونی در تصویب حداقل مزد سالانه



تنها قانونگذار اجازه وجود چندین حداقل مزد را در صنایع مختلف داده است. بدیهی است که قانونگذار قراردادهای موقت کار را نسبت به قراردادهای دائم مجزا نمی‌داند. چه بسا در یک کار کاملاً مشابه کارفرما از دو نوع قرارداد کار، یکی دائم و دیگری موقت استفاده کند. ■ **تعیین حداقل دوگانه مزد برای کار واحد به اعتباردائم و یا موقت بودن آن** با اصول حقوق نیز منافات دارد. زیرا برابر اصول کلی حقوق کار جمهوری اسلامی ایران و حتی عهدنامه‌های بین‌المللی، کار مشابه پاداش و مزد مشابه و مساوی را در پی دارد. این امر در ماده ۳۸ قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت اشاره شده است. به نظر می‌رسد مصوبه حداقل مزد مورد بحث صراحتاً مفاد عهدنامه شماره ۱۰۰ را که دولت ایران در سال ۱۳۵۱ به آن پیوسته است نیز مخدوش کند. شاید در آینده‌ای نزدیک بندهایی حقوقی رو به‌روی نمایندگان دولت ایران در سازمان جهانی کار قرار گیرد و از ایشان پاسخ خواسته شود.

■ **از سوی دیگر، به اعتبار اصلی کلی تبعیت قوانین و مقررات پایین‌تر نسبت به قوانین و مقررات بالاتر** به نظر می‌رسد مصوبه تعیین حداقل مزد که در واقع مصوبه‌ای در راستای قانون کار است با مفاد مواد ۴۱ (صدر ماده) و ۳۸ قانون کار مخالفت صریح و غیرقابل انکاری دارد. این امکان برای ذینفعان اعم از کارگر یا کارفرما وجود دارد تا نسبت به طرح دعوی علیه این مصوبه در دیوان عدالت اداری اقدام کنند و چالش جدیدی در روابط پریحث کارفرمایان، کارگران و دولت ایجاد و به نحوی قوه قضائیه را نیز وارد این موضوع کنند. در عین حال چنانچه کارگری که دارای قرارداد دائم است در یک کارگاه کاری انجام دهد که همانند آن رایک کارگر با قرارداد موقت در همان کارگاه انجام می‌دهد(و به تصریح ماده ۳۸ می‌بایست مزد هر

دو یکی باشد) می‌تواند با طرح دعوی در هیات‌های حل اختلاف افزایش مزد خود تا سطح مزد کارگر دارای قرارداد موقت را تقاضا و در صورت رد شکایت از سوی هیات‌های حل اختلاف امکان طرح دعوی در دیوان عدالت را برای خود فراهم کند. وزارت کار چه پاسخی به این چالش دارد؟

■ چنانچه هدف تهیه‌کنندگان دو مزد برای کارگران موقت و دائم تشویق کارفرمایان به تبدیل وضعیت کارگران موقت به دائم باشد، به نظر می‌رسد با این کار نه تنها امنیت شغلی کارگران موقت بهتر نمی‌شود بلکه امنیت شغلی کارگران دائم نیز با مخاطره مواجه می‌شود. زیرا با تغییر وضعیت حقوقی کارگران موقت به دائم امکان اخراج غیرقانونی کارگران دائم بیشتر خواهد شد. چرا که مجازات مالی برای اخراج غیرقانونی یک کارگر با قرارداد دائم به مراتب کمتر از مابه‌التفاوت پرداختی میان قراردادهای دائم و موقت خواهد بود.

■ نکته دیگر در این خصوص عدم امکان تبدیل بسیاری از فرصت‌های شغلی از موقت به دائم است و در این میان کارفرمای اینگونه کارگاه‌ها مجبور به تأمین هزینه‌های بیشتری هستند. این اقدام مشکلات بیشتری را به جامعه کارگری تحمیل خواهد کرد که به صورت مختصر عبارتند از: عکس‌العمل منفی بازار کار به این اقدام، افزایش هزینه برای ایجاد فرصت شغلی، اخراج کارگران موقت. علاوه بر این معمولاً در کارگاه‌های موقت سهم هزینه نیروی کار به مراتب بیشتر از فعالیت‌هایی است که برای آنها قراردادهای دائم منعقد شود و این استدلال که سهم پایین نیروی کار در هزینه‌های کارگاه باعث خواهد شد که کارفرمایان با این موضوع بالاخره کنار بیایند، غیرقابل قبول است. یادآوری و تأکید بر این نکته ضروری است که معضل عدم ثبات شغل برای کارگران نیاز به درمان‌های مهمتری دارد و این مشکل ریشه‌ای و بسیار دیرپای بازار کار ایران را نمی‌توان با این مسکن‌های موقتی برطرف کرد.

■ **کارشناس حقوق کار و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی پی‌نوشت:**

۱- این نکته و سؤال وجود دارد که اگر منظور تهیه‌کنندگان و پیشنهاددهندگان حداقل مزد برای سال ۸۵ نزدیک کردن مزد کارگران به حداقل معیشت بوده است، چرا این سیاست در مورد کارگران دائم عمل نمی‌شود؟ و آیا کارگران دائم این سئوال را از تصویب‌کنندگان نخواهند پرسید که چرا حداقل مزد برای ما به سطح معیشت نزدیک نیست؟ و آیا این نکته وجود ندارد، که کارگران دائم هم همان نیازهای معیشتی کارگران موقت را دارند؟

پنج شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۸۵

خبرها

صالح نیک‌بخت سخنگوی انجمن دفاع از حقوق زندانیان شد

شرق: براساس انتخابات انجام شده توسط اعضای هیات‌مدیره انجمن دفاع از حقوق زندانیان، عمادالدین باقی به عنوان رئیس انجمن دفاع از حقوق زندانیان، فریده غیرت نایب‌رئیس، صالح نیک‌بخت سخنگو، شریف زاده مسئول روابط عمومی و الوندی به عنوان خزانه‌دار این انجمن دفاع انتخاب شدند.

□

شهریورماه در دیوان عالی کشور به پرونده زهرا کاظمی رسیدگی می‌شود
ایستا: یکی از وکلای مدافع مادر زهرا کاظمی خبر داد که شبع ۱۵ تشخیص دیوان عالی کشور، اعتراض به حکم صادره برای پرونده مرگ زهرا کاظمی را در شهریور ماه مورد بررسی قرار می‌دهد. محمد سیف‌زاده با اشاره به این که رسیدگی به پرونده فوت زهرا کاظمی در نوبت رسیدگی قرار دارد، گفت: با توجه به پرونده‌هایی که در نوبت رسیدگی این شعبه از دیوان عالی کشور قرار دارد، عنوان شد که رسیدگی به این پرونده شهریور ماه انجام خواهد شد.

□

تعیین تکلیف تابعیت افرادی که پدر یا مادر غیرایرانی دارند
ایستا: یک فوریت طرح اصلاح بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی و الحاق یک تبصره به آن توسط مجلس تصویب شد. به موجب این طرح افرادی که مشمول بندهای مذکور به شرح زیر باشند ایرانی محسوب می‌شوند: «بند ۴- کسانی که در ایران از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد شده‌اند مشروط بر اینکه پدر آنان دارای پروانه اقامت معتبر بوده و ازدواج آنان بر طبق ماده ۱۰۶۰ این قانون به ثبت رسیده باشد. بند ۵- افرادی که در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شده و تا پایان سن ۱۸ سال تمام با پروانه اقامت معتبر در ایران مقیم بوده و بلافاصله پس از آن حداقل یک سال دیگر هم در ایران اقامت کرده باشند و قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام اقدام به اخذ شناسنامه نمایند، والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقررات مربوط به تحصیل تابعیت استنبند ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند مشروط به اینکه از او صاحب فرزند شود یا دو سال از تاریخ ازدواج وی گذشته باشد» بر اساس تبصره الحاقی، فرزندان حاصل از ازدواج مادران ایرانی و پدران خارجی که از تاریخ ۱۳۸۵/۱/۱ متولد شده‌اند پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام با اعلام رد تابعیت غیرایرانی و تقاضای تابعیت، ایرانی محسوب می‌شوند.



برنامه امشب سینماهای: آفریقا، فرهنگ، ایران، عصر جدید، جوان‌مندان، کانون قدس (شهرک غرب)، سپیده، پارس، بهمن، پایتخت، گلریز، قیام، پیروزی، آسیا، المپیا، شاهد، ملت، ناهید، موزه سینما، فرهنگسرای نیاوران، ایرانیان (شهرک آرمایش) در شهرستان‌ها: اصفهان (قدس)، شیراز (آسیا)، گوه‌ر دشت (ساویر)، کرج (هجرت)، رشت (میرزا کوچک)، اسلام‌شهر (فجر)، یزد (فرهنگ)